

## بررسی کتاب «من زنده‌ام» از منظر ساختارگرایی کوثر دانش<sup>۱</sup>، عبدالحسین فرزاد<sup>۲</sup>، احمد خاتمی<sup>۳</sup>

### چکیده

انتشار مجموعه خاطرات من زنده‌ام نوشته معصومه آباد، جریانی جدید در خاطره‌نویسی ادبیات دفاع مقدس ایجاد کرد، جریانی که تلاش دارد در کنار روایت مردانه، روایتی زنانه از دوران اسارت ارائه کند. مجموعه خاطرات من زنده‌ام، اثری کاملاً زنانه با نثری عاطفی، معناگرا، پرمایه و سالم است. در این پژوهش به تحلیل ساختار و محتوای کتاب من زنده‌ام پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و از منظر ساختارگرایی به بررسی این اثر ارزنده پرداخته است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که جنسیت راوی بر لحن، گفتار و رفتار شخصیت‌ها تأثیر زیادی گذاشته است. من زنده‌ام نقطه عزیمت روایت زنانه در آثار دوران اسارت است و به گونه‌ای برگرفته از الگوی صبر و استقامت حضرت زینب<sup>(س)</sup> است. زبان و نثر داستان با تلفیق سایر عناصر مانند طرح، زمان، شخصیت‌پردازی دقیق و حساب‌شده، تعلیق و انتظار، همه بیانگر مهارت نویسنده در داستان‌نویسی است.

کلیدواژه‌ها: خاطره‌نویسی، اسارت، ساختارگرایی، روایت زنانه.

---

۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. A.abdi۳۰۰@gmail.com  
۲ دانشیار گروه ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. abdolhosein.farzad@gmail.com  
۳ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی تهران a\_khatami@sbu.ac.ir  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۱ تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۷/۵

## مقدمه

پایداری و مقاومت در هر جایی و در هر دوره‌ای سبب بروز تحولاتی می‌شود. یکی از این تحولات ایجاد شده، در حوزه هنر و ادبیات است و ادبیات پایداری و مقاومت از دل این تحولات زاده شده است. از همین رو، ادبیات پایداری بستری را فراهم می‌آورد تا نویسنده از طریق آن، دغدغه‌ها و وقایع ناخوش‌آیندی که بر او و مردمش گذشته است، بازگو کند؛ به عبارت دیگر، «ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های پیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه، حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، با زبانی هنری (ادبیانه) سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان به نگارش «تاریخ» آن می‌پردازند.» (شکری، ۱۳۶۶: ۱۰) ادبیات دفاع مقدس نیز از دل ادبیات مقاومت و پایداری بیرون آمده است. شروع جنگ تحمیلی عراق به ایران، ادبیات دفاع مقدس را آغاز کرد. ادبیات دفاع مقدس «به مجموعه سروده‌ها و نوشته‌هایی گفته می‌شود که درون‌مایه و موضوع آن‌ها به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامد و تبعات آن باز می‌گردد.» (سنگری به نقل از نجفی و صادقی‌نیا، ۱۳۹۵: ۳۴۷) یکی از گونه‌های ادبی و جریان‌هایی که در ادبیات دفاع مقدس شکل گرفت و ذیل ادبیات پایداری و مقاومت قرار می‌گیرد، خاطره‌نویسی است. نویسندگان این حوزه تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از این نوع ادبی، فرهنگ، فضا و شرایط حاکم بر جبهه و جنگ و بعدتر، اسارت را نمایان سازند. «خاطرات انقلاب و دفاع مقدس و دیگر خاطرات نگاشته شده در عصر انقلاب جز ارزش ادبی، ارزش تاریخی و جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه دارند.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۷۶) یکی از زیرمجموعه‌های خاطره‌نویسی جنگ، «خاطرات آزادگان (اسرا) جنگ تحمیلی است؛ اسرایی که بهترین سال‌های عمر خود را در زندان‌ها و اردوگاه‌های رژیم بعث عراق گذراندند و سخت‌ترین شکنجه‌های روحی و روانی را تحمل کردند.» (ایروانی، ۱۳۹۰: ۱۲) این‌گونه از ادبیات جنگ را در ادبیات جهان با عنوان ادبیات «بازداشتگاهی یا اردوگاهی» می‌شناسند (همان، ۱۲). این بحث زمانی اهمیت مضاعف می‌یابد که نقش «زنان» در جنگ و اسارت نیز مورد توجه قرار گیرد. زنان همواره نقشی پررنگ در دفاع مقدس داشته‌اند و برخی نیز به اسارت درآمده‌اند؛ اما طرح، بیان و بازگویی تجربه و خاطرات اسارت از سوی زنان مانند مردان نیست و حتی آن فراگیری را هم ندارد، در صورتی که می‌تواند حوزه ادبیات دفاع مقدس را با شرح و بازگویی خاطرات زنان از وقایع جنگ و اسارت پررنگ کند. ترکیب ثبت هنری وقایع به‌ویژه تجربه اسارت، می‌تواند خود را در «خاطره‌نویسی» نمایان کند. اهمیت پرداختن به چنین مباحثی آن است که «خاطرات آزادگان جنگ تحمیلی بخشی از ادب پایداری و ادبیات جنگ است که تحقیق در این زمینه می‌تواند بخشی از ناگفته‌ها و حقایق جنگ و ارزش ادبی این‌گونه ادبی از ادبیات جنگ را نمایان سازد.» (همان، ۱۲) بر همین پایه، مجموعه خاطرات من زنده‌ام نوشته معصومه آباد را که روایت خاطرات دوران اسارت او در جنگ ایران و عراق است را با استفاده از نظریه ساختارگرایانه در این پژوهش بررسی می‌شود.

## بیان مسئله

برخلاف جریان رایج ادبیات دفاع مقدس و جریان خاطره‌نویسی که عموماً مردانه است، زنان نقشی پررنگ در دفاع مقدس داشته‌اند، اما ادبیات زنانه در این حوزه کم‌رنگ است. «نکته قابل توجه این است که اسارت، به طور عمده، امری دارای هویت مردانه است، زیرا تعداد قابل توجهی از اسیران را مردان تشکیل می‌دهند و از همین رو نیز بیشتر، تجربه‌های مردان از اسارت مطرح و تحلیل می‌شوند.» (طبیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳) بیان خاطرات اسارت از دیدگاه زنانه می‌تواند زوایایی جدید از روایت‌ها و مستندات تاریخی جنگ و اسارت را از طریق ادبیات دفاع مقدس بگشاید. انتشار یکی از این کتاب‌ها که خاطرات زنی را که دوران جنگ و اسارت را تجربه کرده است، جریانی جدید در ادبیات دفاع مقدس ایجاد کرد. جریانی که تلاش دارد در کنار روایت مردانه، روایتی زنانه را در خاطره‌نویسی نیز ارائه کند. انتشار کتاب من زنده‌ام نوشته معصومه آباد باعث ایجاد جریانی جدید در ادبیات دفاع مقدس، خاطره‌نویسی و روایت زنانه شد. لذا، ما در این مقاله تلاش داریم بر پایه نظریه ساختارگرایانه «هم‌نشینی و جانشینی» این کتاب ارزنده را که بارها تجدید چاپ شده و مخاطبانی گسترده یافته است را بررسی کنیم. بر همین پایه، این دو پرسش را مطرح می‌کنیم:

دوران اسارت از دیدگاه نویسنده چه مفهومی دارد؟

۲) جنسیت روای داستان چه تأثیری در روایت و درون‌مایه خاطرات داشته است؟

## پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهش می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که آثاری تولید شده در حوزه تجربه اسارت در جنگ ایران و عراق و زندگی‌نامه‌نویسی داستانی را بررسی کرده‌اند:

- مریم غفاری جاهد (۱۳۸۹)، در مقاله «زنان در ادبیات دفاع مقدس» با توجه به اهمیت نقش زنان در این دوره، دهه ۶۰، در داستان‌های این دوره به نقش زنان و چگونگی شخصیت‌پردازی نویسندگان آن‌ها پرداخته و دیدگاه نویسندگان را نسبت به همسران و مادران شهدا، جانبازان، اسرا و زنانی که در پشت جبهه رزمندگان را یاری می‌دادند را نقد و بررسی کرده است. نکته مهم در این مقاله، غیبت تجربه اسارت زنان در جنگ است که هیچ اشاره‌ای به آن نشده است.

- معصومه بهاردوست (۱۳۹۵)، در مقاله «مقاومت و پایداری زنان در دفاع مقدس از نگاه معصومه آباد، بررسی تحلیلی رمان "من زنده‌ام"» به بررسی مفهوم مقاومت زنان در این نوع از ادبیات دفاع مقدس پرداخته است. پژوهش موجود، متنی توصیفی و فاقد روش و چارچوب نظری و تنها گزارشی از داستان کتاب است.

- آرزو سلیمانی، فرهاد ساسانی و احمد پاکتچی در مقاله «بازنمایی دشمن در متن خاطرات زنی در اسارت: بررسی موردی کتاب خاطرات من زنده‌ام» (۱۳۹۹) بر مفهوم دشمن متمرکز شده و معتقدند

نویسنده در این رمان برای بازنمود دشمن از قطبی‌سازی، تصویرسازی و دشمن‌ایدئولوژیک استفاده کرده است. شکل دشمن و دشمنی در این اثر ثابت نیست.

- منصور طبیعی، مریم هاشم‌پور صادقیان و آزاده هوشیار (۱۳۹۶)، در مقاله «مطالعه تجربه اسارت در جنگ ایران و عراق؛ بررسی رمان‌های «من زنده‌ام» و «حکایت زمستان» با استفاده از روش تحلیل کیفی» تلاش کرده‌اند تا تجربه اسارت در این نوع از زندگینامه داستانی را از منظر جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار دهند.

در میان پژوهش‌های حوزه دفاع مقدس، به نظر می‌رسد توجه چندانی به خاطره‌نویسی زنانه نشده است. این کم توجهی وقتی بحث تجربه زنانه از اسارت در جنگ را هم مطرح کنیم، بیشتر نمایان می‌شود. کتاب من زنده‌ام عملاً مورد پژوهش مستقل دو اثر قرار گرفته‌اند که یکی در حوزه زبان‌شناسی و دیگری تحلیلی است. ما در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا از منظری دیگر، خاطره‌نویسی و تجربه زنانه اسارت در جنگ را با تحلیل ساختاری و محتوایی این اثر برجسته کنیم.

### خاطره‌نویسی

واژه خاطره (یادمان) در اصل از «خاطر» به معنی آنچه در دل گذرد، فکر، اندیشه، ادراک، خیال و... آمده است. (ر.ک. کافی، ۱۳۸۹: ۱۹۷) در زبان فارسی نیز خاطره «به اموری که بر شخص گذشته و آثاری از آن در ذهن او مانده باشد؛ وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است، دیده‌ها یا شنیده‌های گذشته و...» معنا شده است. (دهخدا، ۱۳۶۳: ۲۰) لذا، «خاطره، گونه‌ای از روایت و روایت‌گری است که راوی، رویداد یا رویدادهایی را بیان می‌کند. خاطره، بازگویی، بازنویسی و گاه بازآفرینی دیده‌ها، شنیده‌ها و کرده‌های زمان گذشته است.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۷۵) چنانچه بپذیریم خاطره نوعی روایت است، چند عنصر در آن قابل بررسی است: (۱) حادثه یا رویداد؛ (۲) راوی؛ (۳) شکل و ساخت و بافت بیان خاطره؛ (۴) زمان؛ مکان و فضا (موقعیت)؛ (۵) مخاطب؛ (۶) فرایند. (ن. ک: همان، ۷۵-۷۶)

خاطره‌نویسی نیز «اثر و نوشته‌ای است که نویسنده در نتیجه یادآوری ارادی شرح حال و حوادث و رویدادهای سپری شده در زمان و مکان معلوم - که به دلیل حضور یا مشاهده و استماع از آن‌ها اطلاع یافته است - پدید می‌آید و در آن چگونگی وقوع حوادث و رویدادها منعکس شده است.» (کمری، ۱۳۸۱: ۵۷) بر اساس چنین تعریفی می‌توان خاطره را جزوی از تاریخ دانست، زیرا تاریخ در سیر تکاملی خویش برای پایداری و ماندگاری به خاطره نیاز دارد، به باور بسیاری از اندیشمندان «تاریخ آکنده از گسست‌ها، گسیختگی‌ها، شکاف‌ها و بازگشت است.» (هال، ۱۳۸۶: ۱۷)

### جریان خاطره‌نویسی در ادبیات دفاع مقدس

در ایران، خاطره‌نویسی چندان ناشناخته نیست و در هر دوره و موقعیت تاریخی می‌توان برخی از نمودهای آن را دید؛ اما خاطره‌نویسی به عنوان یکی از انواع ادب پایداری، معنای اصلی خود با انقلاب اسلامی پیدا کرد و طی دوران دفاع مقدس بالید. (ر.ک. کمری، ۱۳۸۴: ۶) به گونه‌ای که «در عصر انقلاب خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی گسترش فراوان یافته است و نهادهای مختلف برای ثبت خاطرات و بیان خاطرات (خاطره‌نویسی و خاطره‌گویی) تلاش فراوان داشته‌اند. چاپ صدها کتاب خاطرات انقلاب، خاطرات زندان (ساواک) و از همه مهم‌تر و گسترده‌تر خاطرات دفاع مقدس گواه این اقدام و رویکرد و حساسیت است.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۷۶)

جریان خاطره‌نویسی در ادبیات دفاع مقدس، از همان لحظات آغازین استقرار و حضور رزمندگان در مناطق جنگی آغاز شد و در حال حاضر نیز ادامه دارد. در میان مجموعه خاطرات جنگ برخی سه شکل را در آن شناسایی کرده‌اند که بر آن مبنا می‌توان به پژوهش پرداخت:

خاطراتی که در نشریات ادواری (مجله‌ها و روزنامه‌ها) منتشر شده است؛ (۲) کتاب‌هایی که در بردارنده مجموعه خاطرات رزمندگان و یا یکی از آن‌ها است؛ (۳) حجمی انبوه خاطرات موجود در مرکز اسناد و آرشیو نهادهای انقلاب اسلامی که از طریق مصاحبه شفاهی، گردآوری دفترچه‌های یادداشت و... فراهم آمده است. (ر.ک. کافی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

مجموعه خاطرات من زنده‌ام نوشته معصومه آباد در دسته دوم قرار می‌گیرد. ذکر این نکته نیز لازم است که خاطره نگاشته‌های حوزه ادبیات دفاع مقدس، مبتنی بر رخداد‌های جنگ و دوران اسارت هستند؛ و وجوه زیبایی‌شناختی در این آثار چندان نمود ندارد؛ لذا زبان نگارش و بیان در اغلب این خاطره‌ها ساده و روان و حتی نزدیک به زبان گفتار است. «وجه بارز ادبی و هنری اغلب خاطره نگاشته‌ها معطوف به درون‌مایه‌های معنوی و تأثیر حضور و شهود در رخداد‌های جنگ است.» (کمری، ۱۳۷۳: ۴۷) به عبارتی دیگر:

«زبان و بیان خاطره نگاشته‌ها و به طور کلی وجوه بیرونی این آثار، نه از طریق دانش تحصیل کلاسیک و پذیرش الگوهای خاص، بلکه در نتیجه طبیعی بازتاب رخداد‌های جنگ و جبهه در ذهن نگارندگان خاطرات و توانایی شخصی آنان شکل گرفته است... بیشتر نگارندگان چنین آثاری، به مثابه هنرمندان و نویسندگان، با آگاهی قبلی و علم به ویژگی‌ها و چگونگی نگارش انواع مکتوبات ادبی اقدام به نوشتن خاطرات خود کرده‌اند و حتی چنین ادعایی هم نداشته‌اند.» (کافی، ۱۳۸۹: ۲۰۳)

### زن و روایت زنانه در خاطرات دفاع مقدس

اگرچه زنان، نقش بسیار چشم‌گیری در دفاع مقدس بر عهده داشتند، اما آنچه در خصوص نقش آنان در دفاع مقدس و یا گردآوری خاطرات آنان بوده است، بسیار اندک و کم حجم است. آنچه نیز نگاشته شده است، گویای زوایای لازم نیست. قسمت اعظم آثار مربوط به زنان در دفاع مقدس، داستان،

فیلم، نامه، مقالات و سخنرانی‌های تنظیم شده کنگره‌های همایش‌های برگزار شده است و بخش دیگر نیز شامل خاطرات زنانی است که یا در جبهه‌ها و بیمارستان‌ها و اردوگاه‌ها به سر برده‌اند و یا از طریق همسران و فرزندان‌شان با جنگ گره خورده و ایفای نقش نموده‌اند. (ر.ک. رامهرمزی، ۱۳۸۹: ۱۷۲) با وجود عمق و عظمت دوران دفاع مقدس و کمی خاطرات مربوط به زنان از خاطرات برخی زنان که نقشی انکارناپذیر در جنگ داشته‌اند، هیچ اثری در دست نیست؛ مانند خاطرات زنان مهاجر جنوب و غرب کشور که مجبور به مهاجرت از شهرها و خانه‌هایشان شده و به بعضی شهرهای بزرگ رفته بودند. با این زنان مصاحبه‌ای صورت نگرفته و از رنج جدایی از خانه و کاشانه و دوری از محل زادگاه و زندگی در اتاق‌های کوچک و محقر خوابگاه‌های جنگ‌زدگان و فشارهای روحی و جسمی آنان اثری در دست نیست. از سوی دیگر، تعداد قابل ملاحظه‌ای از شهدای زن، شناسایی و آمار آنان توسط ارگان‌های مربوطه تنظیم شده است که تنها طی چند کنگره محدود بزرگداشت زنان شهید، چند کتاب به شکل مقالات و سخنرانی‌ها و خاطرات برگزیده شهدای زن به چاپ رسیده است و جای کار بسیار دارد. از خاطرات اسرای زن نیز تنها خاطرات سه چهره، خانم فاطمه ناهیدی، خانم معصومه آباد و خانم خدیجه میرشکار جمع‌آوری شده است که با توجه به حجم زیاد خاطرات زنان اسیر و تأثیر عمیق آن بر خوانندگان، این حرکت نیز بسیار ضعیف است.

در بین کتاب‌های خاطرات زنان، با تعداد قابل توجهی از خاطرات همسران سرداران شهید روبه‌رو هستیم. کتاب‌هایی که با نام «نیمه پنهان» و «یادگاران» شناخته شده و مورد استقبال بسیار نیز قرار گرفته‌اند. این مجموعه خاطرات دو هدف عمده را دنبال می‌کند، اول شناسایی و معرفی سرداران شهید به جامعه و دوم بازشناسی نقش زنان در دفاع مقدس از طریق خانواده و همسرانشان و تأثیر شخصیت این زنان در روحیه و روان و تلاش‌های مردان بزرگ جنگ. به نظر می‌رسد هدف اولیه آن کاملاً تحقق یافته و هدف ثانویه آن به دست فراموشی سپرده شده است. (ر.ک. کمبری، ۱۳۹۰: ۱۷۴-۱۷۶)

با این بیان کتاب من زنده‌ام را می‌توان نقطه عطفی در میان کتاب‌های خاطرات اسارت زنان به حساب آورد. کتابی که در آن خاطرات رزمنده، امدادگر، جنگ‌زده و مشکلات آن‌ها قبل و پس از آوارگی‌های جنگ و اسارت را نشان می‌دهد. من زنده‌ام کتابی است که با حجم زیاد خود، پرداختن به جزئیات بسیاری از حقایق حضور زنان در جنگ را باز نموده است. خاطراتی که راوی آن؛ یعنی معصومه آباد خود یکی از زنان حاضر و درگیر آبادان است. یک زن جنگ‌زده، امدادگر، مبارز که به اسارت دشمن نیز در می‌آید.

## چهارچوب نظری

### الف) ساختارگرایی

ساختارگرایی به بررسی نظام‌مند، اصرار می‌ورزد و تلاش دارد نقد ادبی را به شاخه‌ای از پژوهش‌های علمی تبدیل کند. هر اثر ادبی برای ساختارگرایان، جهانی مستقل است و منتقد باید در پی کشف قوانینی باشد که در آن جهان بر ارتباط متقابل اجزا مؤثر است. ساختارگرایی برای تحلیل هر پدیده فرهنگی و اجتماعی، قصد دارد ابتدا تفاوت‌های درونی و بیرونی میان اجزای یک پدیده را که موجب ایجاد شکل متفاوت آن پدیده از نظر معناهای فرهنگی شده است را بررسی کند. ریشه ساختارگرایی به فرمالیسم و مکتب پراگ (حتی این اصطلاح هم ابداع ایشان است) و نئوفرمالیسم و فوتوریسم می‌رسد که بعدها از نقد نو هم متأثر شده است. ساختارگرایی در هر یک از مکاتب فوق به نحوی است. به نظر فرمالیست‌ها (و نئوفرمالیست‌ها) روشی است برای کشف رابطه تک‌واژه‌های درون جمله و رابطه آن‌ها با طرح کلی زبان. ساختارگرایی در مکتب پراگ رابطه بین اجزای یک پیام ادبی است که ساخت آن را تشکیل می‌دهند. به نظر ساختارگرایان پراگ اثر هنری ارگانیک (سازمانی) است که در آن همه عناصر هم صورت است و هم محتوا؛ و هم هیچ جزئی را نمی‌توان به زبان دیگر، جز همان زبان ادبی به کار گرفته شده، توضیح داد. در بوطیقای جدید هم آن قسمت از پیام شعری که به طریق علمی قابل تجزیه و تحلیل و شناخت است، ساخت، آن است نه محتوا و معنای آن. پس به طور کلی می‌توان گفت که ساختارگرایی یک شیوه و روش است و سخن آن این است که هر جزء یا پدیده در ارتباط با یک کل بررسی شود؛ یعنی هر پدیده، جزئی از یک ساختار کلی است. بدین ترتیب ساختارگرایی بین مباحث سنتی ادبیات از قبیل بدیع، بیان، عروض، قافیه و یافته‌های جدید زبان‌شناسی ائتلافی به وجود آورده است.

ساخت: شبکه روابط عناصر در رابطه متقابل با یکدیگر است که این روابط می‌تواند طبق قواعد هم‌نشینی و جانشینی صورت‌های جدید و گوناگونی به خود بگیرد و در عین حال کلیت یک ساخت واحد و ثابت را حفظ کند.

وظیفه نقد ساختاری عبارت است از: ۱- استخراج اجزای درونی اثر؛ ۲- نشان دادن پیوند موجود میان اجزای اثر؛ ۳- نشان دادن دلالتی که در کلیت ساختار وجود دارد. (ر.ک. شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۷۷)

### ب) نظریه محور هم‌نشینی و جانشینی

به اعتقاد سوسور در زبان تنها چیزی که وجود دارد، تفاوت است. این جمله بدین معنی است که تولید معنا در قالب گفتار و نوشتار در واقع تفسیر و جابه‌جایی مداوم حروف و کلمات مختلف در بستر ثابت ساختارهای زبانی است. سوسور دو محور «هم‌نشینی» و «جانشینی» را به مثابه دو رابطه در کارکرد زبان تلقی می‌کند. اثر ادبی از واژه‌ها و عبارت‌هایی تشکیل شده است که ساختار آن را به وجود می‌آورند و همه آن‌ها در یک شبکه معنایی حرکت می‌کنند. این تناسب و هماهنگی را می‌توان در دو محور جانشینی و هم‌نشینی ساختار بررسی کرد. محور هم‌نشینی / مجاورت، همان محور افقی کلام

است که اجزای آن در کنار هم قرار گرفته و عبارت را به صورت خطی بررسی می‌کند و باعث افزایش معنا می‌شود؛ اما در محور جانشینی / مشابهت به صورت عمودی در کلام جای گرفته است. (ر.ک. تسلیمی، ۱۳۹۰: ۶۷) تا قبل از ساخت‌گرایی، متن، مؤلفی داشت، اما ساختارگرایان سرانجام مرگ مؤلف را اعلام کردند؛ زیرا به نظر آنان متن ادبی اصلاً ربطی به حقیقت ندارد. آنان قبول ندارند که زبان برای یک فکر از قبل اندیشیده شده، بستری باشد بلکه به زعم ایشان این ساختارهای زبانی هستند که از قبل وجود دارند و موضوع و معنی را می‌آفرینند. چنانکه قبلاً هم اشاره شد به نظر آنان بررسی لانگ (زبان) مهم است نه گفتار فردی (پاول). در حقیقت این لانگ است که پاول را می‌سازد، نه قصد مؤلف؛ و همین معناست که بعداً بارت آن را مرگ نویسنده قلمداد کرد. (ر.ک. شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

## بحث و بررسی

### الف) خلاصه داستان

من زنده‌ام کتابی ۵۵۲ صفحه‌ای در ۸ بخش است. معصومه آباد خاطرات خود را از دوران کودکی تا دوران اسارت و آزادی‌اش به رشته تحریر در آورده است. معصومه ۵۰ ساله به روزهای گذشته کودکی‌اش باز می‌گردد. او در خانواده‌ای پرجمعیت (۱۲ نفره) در شهر آبادان به دنیا می‌آید و در محله‌ای کارگری که خانه‌های شرکت نفتی‌ها در آن قرار دارد، زندگی می‌کند. پدرش در حادثه آتش‌سوزی پالایشگاه به شدت مجروح می‌شود و پس از دو ماه به هوش می‌آید. بیماری او به حدی است که با وجود بهبودی و ترخیص از بیمارستان، خانه‌نشین می‌شود. بعد از اتمام دبستان، وارد دوره نوجوانی می‌شود. مادرش تلاش می‌کند در دوره بلوغ، او را با الگوهای زنانه آشنا کند. معصومه برای یادگیری خیاطی به کلاس‌های خانم دروانسیان ارمنی می‌رود. خانم دروانسیان سؤالاتی پیرامون اسلام و باورهای دینی می‌پرسد و معصومه برای پاسخ‌گویی به سؤالاتش به خانم صالحی (معلم قرآن مسجد) رجوع می‌کند. در دوره انقلاب او به همراه خانواده‌اش در راهپیمایی و تظاهرات خیابانی شرکت می‌کند. معصومه به تهران می‌آید. بدون هیچ پیش‌زمینه قبلی عراق به خوزستان حمله می‌کند. معصومه پس از اصرار و تلاش‌های زیاد به همراه برادرش به آبادان بر می‌گردد. وی صحنه‌های زیادی از جنگ را با بیان رسایش به تصویر می‌کشد. معصومه برای کمک به جبهه گاهی نقش امدادگر، گاهی امدادار و گاهی نقش آشپز را ایفا می‌کند و سرانجام به همراه دوستش دستگیر می‌شود. نگرانی‌ها و اضطراب‌های او از نگاه‌ها و برخوردهای عراقی‌ها زیاد است. آن‌ها را مدتی به درمانگاه و سپس زندان الرشید بغداد می‌برند و مورد شکنجه‌های روحی و جسمی قرار می‌دهند. با وجود اینکه تحت نظر صلیب سرخ قرار می‌گیرد و شماره اسارت دریافت می‌کند. عراقی‌ها خلاف قوانین بین‌المللی



رفتار می‌کنند. سرانجام پس از چهار سال دوران اسارت ابتدا به ترکیه و سپس به ایران باز می‌گردد. علت نام‌گذاری کتاب، «من زنده‌ام»، می‌تواند موارد ذیل باشد:

معصومه آباد تا مدت‌ها که از اسارت وی در عراق می‌گذرد، به خاطر عدم ثبت نام او در لیست اسرا، خانواده از زنده بودنش بی‌اطلاع بودند و بعد از اینکه نامش در لیست صلیب سرخ قرار می‌گیرد، اولین متنی که به او اجازه می‌دهند تا برای خانواده‌اش بنویسد، یک کلمه بیشتر نبوده است و او هم می‌نویسد: «من زنده‌ام»؛ دوم، به خاطر باری که نویسنده بر دوش خود احساس می‌کند مبنی بر روایت مصائب دوران اسارت، زنده بودن خود را دلیلی بر روایت آن مصیبت‌ها می‌داند و می‌نویسد: «من زنده‌ام که فراموش نکنیم از خانواده آبیان، پدر و پسر که در یک روز شهید شدند و مادر، حجله همسر و فرزندش را با هم چید. من زنده‌ام که فراموش نکنیم قصه ۳۰۰ شهید غریب اردوگاه و زندان‌های عراق را و یادمان نرود برای رژیم بعثی عراق چقدر جان اسیر بی‌بها و ارزان بود.»

## ب) تحلیل ساختاری

### درون‌مایه

درون‌مایه کتاب من زنده‌ام و در واقع فکر اصلی مسلط بر آن حضور زنان و نقش آن‌ها در جنگ و پیامدهای جنگ و دوران اسارت آن‌هاست. اگرچه در این کتاب حوادث، اشخاص و صحنه‌های جالبی از زندگی مردم آبادان را ترسیم می‌کند، اما آنچه نویسنده خواسته به آن بپردازد این است که حضور زنان در جنگ کمتر از مردان نبوده است و بلکه گاه می‌توانستند چندین نقش متفاوت را در پشت جبهه را ایفا کنند: هم آسپز باشند، هم رزمنده، هم امدادگر و... در واقع نویسنده به گونه‌ای غیرمستقیم مقصود خود را در میان خاطرات دوران‌های مختلف از زندگی بیان می‌کند و ناگفته‌های دوران اسارت را بازگو می‌کند. نویسنده توانسته است با استفاده از برش‌های متفاوتی از واقعیت، درون‌مایه را پرورش دهد، به نحوی که در هر بخش از داستان حضور زن یا زنانی را شاهد هستیم. حضوری فارغ از اندیشه‌های فمینیستی و متکی بر اعتقادات ناب اسلامی و الگوپذیری از بانوی صبر و مقاومت حضرت زینب<sup>(س)</sup> که در دوران اسارت، حماسه‌ای عاشورایی آفرید.

### زبان

اگر زبان را آمیزه‌هایی از قواعد دستوری یا صرف و نحو آرایه ادبی و عوامل دیگر چون طنز، گفت‌وگو و توصیف بدانیم، از نظر قواعد دستوری نیز ویژگی خاصی بر این کتاب حاکم است که ناشی از تلفیق زبان بومی و سبک نگارش وی است. از جهت آرایه‌های زبانی متناسب با متن از آرایه تشبیه و استعاره... استفاده می‌کند. نویسنده سعی دارد با تلفیق سبک نگارش خود و استفاده از اصطلاحات عامیانه و بومی موجب جذب مخاطب شود. در زیر نمونه‌هایی از سبک نگارش آمده است:

## ۱) آمدن اجزای جمله پس از فعل

«به روزهای دور نگاه می‌کنم، مبدأ کودکی‌ام.» (آباد، ۱۳۹۳: ۱۸)

«دوباره برگشتم پشت در.» (همان: ۳۱)

«آنجاست؛ بین خان‌های یک شکل یک اندازه محله کارگری پیروز آباد.» (همان: ۱۸)

## ۲) کاربرد واژگان بومی

«شتابان برگشتم سراغ کلید را از آب تندو گرفتم.» (همان: ۳۱)

«به قدری ذوق‌زده می‌شدیم که از سر ظهر، آب شط را می‌انداختیم توی حیاط تا سوز آفتاب را بگیرد.» (همان: ۲۲)

«حالا دیگر نوبت پرین، علی گاوی، جعفر دفاع و بهمن چول همگی پریدند.» (همان: ۳۱)

«یک خانه صد متری سر نبش کوچه که اصطلاحاً به آن می‌گفتیم کواترها.» (همان: ۱۸)

«مادر سن همه ما را بر اساس وقت رویش خرما و خارک و دیری می‌شمرد و مزه‌مزه می‌کرد.» (همان: ۲۱)

«در حیاط خانه سید درخت کُتار بزرگی معروف به کُتار سید بود.» (همان: ۱۱۳)

استفاده از لغات و اصطلاحات بومی در فصل کودکی بیشتر است و نویسنده با به‌کارگیری این لغات و توضیحات آن در پاورقی، خواننده را با محیط و فرهنگ بومی آبادان آشنا می‌کند.

## ۳) استفاده از آرایه‌های تشبیه

میزان استفاده از آرایه تشبیه بیشتر از سایر آرایه‌هاست و نویسنده سعی کرده است با تشبیهات ملموس و مناسب متن خود را جذاب نماید که برای درک بیشتر نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم: «طعم خاطرات مثل خرما دلپذیر و شیرین.» (همان: ۱۷) کودکی را به طعم خرما تشبیه کرده و حس آمیزی و تشبیه با هم به کار رفته است.

«فاطمه و حلیمه را دیدم که مثل کوه مقاوم و مغرور گوشه‌ای ایستاده بودند.» (همان: ۲۳۲) معصومه روحیه مقاومت و ایستادگی دوستان اسپرش را به کوه تشبیه کرده است.

«دستانش مثل سرب بر سرم سنگینی می‌کرد.» (همان: ۲۳۲) تشبیه سنگینی دستان بازجو که مردی نامحرم است و به‌کارگیری حرف «س و ش» بیانگر شکنجه و آزار و اذیت اوست.

«سرفه‌هایم مثل شیبه اسب مست بر در و دیوار زندان می‌خورد و به سینه‌ام برمی‌گشت.» (همان: ۲۹۴) معصومه در زندان بیمار می‌شود و صدای سرفه‌هایش را به شیبه اسب مست تشبیه می‌کند که بر در و دیوار زندان می‌کوبد تا شاید رهایی یابد. «مثل گنجشکی که در دست‌های یک مرد قوی هیکل بود تقلا می‌کردم.» (همان: ۲۳۳)

## ۴) استفاده از زبان محاوره و گفت‌وگو

آباد زبان محاوره و عامیانه را به کار می‌گیرد تا موجب هم‌ذات‌پنداری با مخاطب شود: «هراچیک شکل و شمایل سوای ما بود.» (همان: ۵۶) برای نشان دادن تفاوت‌های ارمینان از زبان کودکانه استفاده می‌کند.

برای نشان دادن مهارت نداشتن خود در خیاطی می‌نویسد: «از نظر من که فقط دوخت شورت‌های عیال‌واری ننه‌دوز را بلد بودم.» (همان: ۵۷)  
«خلاصه کلام، ما توی این کوچه‌باغ‌ها به دنیا آمدم، پا گرفتیم و قد کشیدیم.» (همان: ۱۹) خلاصه کلام اصطلاحی است که در زبان محاوره به کار می‌رود و نویسنده از اصطلاحاتی مثل پا گرفتن و قد کشیدن به جای بزرگ شدن استفاده کرده است.

### ۵) استفاده از کلمات مناسب با فضا

در هر فصل، بسامد برخی واژگان بیشتر است و این بیانگر حسن انتخاب کلمات در نزد نویسنده است. برای مثال در فصل کودکی از کلماتی چون «خانه، باغ، بازی و هم‌بازی» بیشتر به کار رفته، در دوره انقلاب «مدرسه و مسجد و تظاهرات و کانون»، در دوره جنگ «بمب‌افکن، آژیر، خمپاره و گلوله»، در دوره اسارت برای توصیف فضای زندان از «آغل حصیری، قفس و صندوقچه» استفاده می‌کند.

### ۶) زمان

در این اثر به دلیل گذشت زمان و عدم ثبت خاطرات به زمان دقیق رویدادها اشاره‌ای نشده است، ولی با این حال توالی میان زمان‌ها برقرار است. زمان‌ها به صورت کلی و مبهم با درج سال و فصل مشخص می‌شوند. او مرخص شدن پدرش را از بیمارستان با ذکر نام فصل، یادآوری می‌کند: «با آمدن پاییز آقا از بیمارستان مرخص شد.» (همان: ۴۵) «سرانجام در تابستان ۱۳۵۳ کلاس خیاطی و یا مباحثه به پایان رسید.» (همان: ۶۰) در دوران اسارت تغییر فصول را تنها با تغییر دمای سلول تشخیص می‌دهند؛ زیرا بیشتر زمان خود را در سلول بدون ارتباط با دنیای بیرون می‌گذرانند. «بهار ۱۳۶۱ یواشکی از راه رسید زمستان ۱۳۶۰ خیلی سخت و دلگیر بود.» (همان: ۳۱۸)

### فضاسازی مکان‌ها

در هر دوره از زندگی نویسنده یک مکان اهمیت ویژه‌ای دارد که متناسب با هر فصل از کتاب یک مکان اهمیتی خاص می‌یابد.

### ۱) خانه

در دوره کودکی نویسنده، خانه محل امن و پناهگاه اوست و بیشتر خاطرات کودکی او در خانه و پیرامون خانواده شکل می‌گیرد. خانه را با دقت فراوان توصیف می‌کند، متراژ خانه و اندازه اتاق‌ها و حتی نحوه تقسیم اتاق‌ها را میان اعضای خانواده این‌گونه شرح می‌دهد:

«یک خانه صد متری سر نبش کوچه، خانه ما آبادانی‌ها، کوچک اما شلوغ بود. همه خانه‌ها دو در داشتند یک در ورودی که از کوچه وارد آن می‌شویم و دیگری در پشتی داشتند؛ که مشرف به باغ بود. باغ‌ها روبه‌روی شانزده خانه دیگر قرار داشتند که کوچه بعدی را شکل می‌دادند.» (همان: ۱۸)

## ۲) مسجد مهدی موعود

در دوره نوجوانی و انقلاب، پیوند خاصی میان مدرسه و مسجد برقرار می‌شود. معصومه در کلاس‌های اخلاق و عرفان و آموزش‌های قرآنی به مسجد می‌رود و مسجد را تنها محل عبادت و قرآن نمی‌داند.

## ۳) زندان

در دوران اسارت آن‌ها زندان‌های متعددی را تجربه می‌کنند؛ نویسنده فضای حاکم در دوران اسارت را به‌خوبی ترسیم می‌کند:

«قفسی نمناک و نمور، سرد و تاریک بدون زیرانداز و روانداز. این اتاقک در واقع مجازات عزاداری شب شام غریبانمان شد بی‌شبهت به زندان استخبارات نبود.» (همان: ۴۸۵)

«وضعیت غذای زندان نامناسب است، حجم کم غذا، بدمزگی و کمبود بهداشت مواد غذایی موجب بیماری زندانیان می‌شود. شب دو کاسه سبز پلاستیکی و چهار لیوان قرمز پلاستیکی را به دستمان دادند. در کاسه‌ها مقداری آب رب گوجه ریخته بودند. چهار تانان ساندویچی هم به ما دادند لای آن‌ها هر نوع آشغال و زباله‌ای را می‌توانستی پیدا کنی. تقریباً یک هفته از آمدنم به عراق می‌گذشت اما هنوز به غذا میل نداشتم. مریم هم که تازه از مسمومیت خلاص شده بود وضعی مثل من داشت.» (همان: ۲۰۷)

## گفت‌وگو

عنصر گفت‌وگو در کتاب من زنده‌ام از حیث کمی، سهم کمتری نسبت به شرح و توصیف دارد، اما در همان حد نیز از عهده وظیفه خود به‌خوبی برآمده است. از آن جهت که کتاب زندگی‌نامه داستانی است، مسیر شکل‌گیری داستان با حوادث و افراد گوناگون مواجهه بوده است، گفت‌وگوها نیز متفاوت و معرف شخصیت‌های متفاوت است. این چنین گفت‌وگوها همانند سایر موارد کتاب به چشم می‌خورد، درج کامل مطالب است به گونه‌ای که نه چیزی از آن کم و نه چیزی بر آن اضافه شود. از سوی دیگر از خلال گفت‌وگوها به‌خوبی می‌توان به شخصیت افراد نیز پی برد، گفت‌وگوها به پیشبرد خاطرات نیز کمک می‌کنند

«در همین حین، رسول با یک شیشکی وسط حرف سید پرید و با صدای بلند گفت: خواهر و برادر از چندتا ننه و بابا؟ سید با خونسردی ادامه داد: کوچک‌ترین محبت‌ها از ضعیف‌ترین حافظه‌ها پاک نمی‌شود. ما با محبت و دوستی پیمان خواهر و برادری را تقویت می‌کنیم. مهمه به راه افتاده بود. صدیقه که از همه عاقل‌تر بود گفت: خفه خون بگیرید، بذارید دو کلمه حرف آدمیزادی بشنویم. سید ادامه داد: بزرگترها کوچک‌ترها را زیر چتر خودشان بگیرند. از گوشه دیگر آسایشگاه صدای شیشکی دیگری بلند شد: توی این گرما و شرعی، بارون کجاست که زیر چتر بریم! همه زدند زیر خنده. سید ادامه داد: خداوند بزرگ که ما رو خلق کرده برای چگونه زندگی کردن ما کتاب هدایت و پیامبر را فرستاده است که پیام‌رزم و راه درست را انتخاب کنیم. انسان در تعیین سرنوشت خود سهیم است.» (همان: ۱۱۱)

در گفتگوی فوق شخصیت سید را فردی آرام و صبور معرفی می‌کند که با وجود بی‌ادبی بچه‌های پرورشگاه، با حرف‌هایش از آن‌ها می‌خواهد که یکدیگر را با نام نیکو صدا بزنند. لغات و اصطلاحاتی که به کار می‌برد نشانگر میزان سواد و شخصیت بچه‌های پرورشگاه است، افرادی که بدون محبت و توجه خانواده‌ها زندگی کرده‌اند.

### صحنه

صحنه‌پردازی کتاب، نقش بسیار زیادی در تأثیرگذاری و جذابیت کتاب دارد. صحنه‌ها در این کتاب چنان پرداخته شده‌اند که هنگام خواندن هر واقعه، خواننده غرق در صحنه شده و از هر چیز دیگر فارغ می‌شود. شیوه‌ای که نویسنده جهت صحنه‌پردازی از آن بهره برده است، تلفیقی از توصیف، گفت‌وگو، تداعی خاطرات در خاطره (روایت) است.

«خدا را به مقدسات عالم قسم می‌دادیم همان‌طور که آتش را بر ابراهیم نبی سرد کرد شدت این ضربه‌ها را بگیرد و درد را از آن‌ها دور کند. صدای فریاد برادرهای مجروح و فقههه محمودی و ناسزاهای نگهبانان و پارس آن سگ وحشی که همیشه همراه محمودی بود و بین بچه‌ها می‌درخشید چنان در گوش‌هایمان می‌پیچید که اعصاب و وضعیت جسمانی‌مان را کاملاً به هم ریخته بود. دچار جنون آنی شدم بودم. ناگهان به سمت در رفتم که فرار کنم، فریاد بزنم و خودم را جلوی تن رنجور مجروحین و چهره‌های موقر و سالخورده پیرمردانی که هم شکل و رنگ پدرم بودند بندازم تا شاید حائلی بین درد و تن اسرا باشم.» (همان: ۴۳۹)

شرح توصیف صحنه فوق، از جمله صحنه‌های بسیار تأثیرگذار کتاب است. گویی خواننده همه صداها و فشار روحی را درک می‌کند و می‌خواهد به کمک او برود. اینجاست که هبوط انسانیت و نهایت توحش نگهبانان زندان‌های عراق را بر ملا می‌سازد.

### زاویه دید

زاویه دید مستقیم و درونی و از منظر شخصیت اصلی است. در این کتاب گاه با حدیث نفس و تک‌گویی درونی مستقیم نیز مواجه هستیم که بر صمیمیت و ارتباط عمیق با مخاطب تأثیر فراوان نهاده است. زاویه دید بر سایر عناصر نیز تأثیرگذار بوده است. زاویه دید توانسته بر لحن، فضا سازی و سبک نیز مؤثر واقع شود و فضا و لحنی بسیار صمیمی پدید آورد به گونه‌ای که مخاطب با راوی هم‌زاد پنداری نماید و لذا حوادث و وقایع برای او ملموس شود. «آقا ما را بدعادت کرده بود. همیشه موقعی که خسته از مدرسه برمی‌گشتیم او را می‌دیدیم که جلوی خانه ایستاده و با جیب‌های پر از نخودچی منتظر ماست.» (همان: ۳۹) «یک روز در میان، بساط تیر و تخته و تئور مادر به راه بود.» (همان: ۶۶) «ظہرها بعد از نهار سفره که جمع می‌شد وقتی برق آفتاب وسط آسمان بود آقا بی‌چون و چرا همه را به خط می‌کرد و بالش زیر سرمان و خواب ظہر برقرار بود.» (همان: ۶۶) همان‌گونه که مشاهده می‌شود صحنه‌هایی که در این سه نمونه با آن مواجه هستیم، صحنه فراخ منظر است؛ زیرا صحنه‌هایی عام و بیانگر تکرار و تداوم است، اگرچه نمونه دوم در خصوص ظہر تابستان است؛ با وجود این لحظه‌ای خاص را بیان می‌کند و بیانگر تکرار و تداوم است.

### روایت زنانه

من زنده‌ام نقطه عزیمت روایت زنانه در رمان‌های دوران اسارت است. جدا از آنکه نویسنده آن یک بانوی ایرانی است، قهرمان اصلی آن نیز عموماً خود راوی یا یکی از زنان اسیر ایرانی است. او با نگاهی ظریف و موشکافانه به مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی دوران کودکی و نوجوانی خود می‌پردازد و آن‌ها را شرح و تفسیر می‌کند. من زنده‌ام به گونه‌ای برگرفته از الگوی صبر و استقامت حضرت زینب<sup>(س)</sup> است. بانویی که با وجود رفتارها و شکنجه‌های یزیدیان با صبر خود حماسه آفرید. در خاطرات کودکی به مسأله تولد فرزند اشاره می‌کند و ترس و درد مادر هنگام تولد فرزند را به خوبی بیان می‌کند. آباد، تمام جزئیات و نحوه رفتار سیده زهرا (مامای خانگی)، رفتار زنان همسایه را با کلماتی مثل بند ناف، قنطاق و ... بیان می‌کند، حتی به صحنه تولد نوزاد که با اذان همراه است، اشاره می‌کند. مسئله شیر دادن فرزندان، توسط مادران دیگر را هم بیان می‌کند. می‌نویسد وقتی مادری شیر کافی برای نوزادش نداشت، فرزندش را به خانه همسایه‌ای می‌فرستاد که نوزاد داشت و این قضیه موجب می‌شد همیشه تعدادی خواهر یا برادر رضاعی داشته باشند. مسأله دیگر حضور ننه بندانداز در داستان اوست. در آن زمان آرایشگاه وجود ندارد و خانمی دوره‌گرد برای آرایشگری به خانه یکی از همسایه‌ها می‌آید و بقیه مشتریان نیز در خانه او جمع می‌شوند. حجب و حیا آن قدر میان زن‌ها زیاد بود که حتی نمی‌خواستند کسی بفهمد چه زمانی و چه کسی آن‌ها را اصلاح می‌کند، حتی یک نفر از دختران را به عنوان نگهبان می‌گذاشتند تا کسی وارد اتاق نشود. در سن نوجوانی برای یادگیری مهارت‌های زنانه، دختران را به آرایشگاه و یا خیاطی می‌فرستند تا با الگوها و رفتارهای زنانه آشنا شوند. در دوران اسارت، شکنجه زنان با مردان متفاوت بود، تعدادی زن که با لباس نظامی و آخرین

مد در برابر آن‌ها حاضر می‌شوند و نگهبانان با مقایسه آن‌ها و زنان اسیر که لباس مندرس و خونی به تن دارند بر صورت آنان تف می‌کنند و سعی در از بین بردن شخصیت آن‌ها دارند. نویسنده با شرم و حیا از مشکلات نبود امکانات بهداشتی برای عادت ماهیانه سخن به میان می‌آورد. حتی این کمبودها موجب بیماری‌های پوستی و روده‌ای و بیماری‌های زنان می‌شود. دیدن شکنجه شدن اسیران با باتوم، سواری گرفتن از اسیران مرد عراقی لخت و... ترس و وحشت خاصی را در آن‌ها به وجود می‌آورد. او برای اولین بار از یک مرد نامحرم در اسارت سیلی می‌خورد و موجب احساس گناه و ترس معصومه می‌شود. آن‌ها به دلیل زن بودنشان بیشتر شکنجه روحی می‌شوند و حتی از شنیدن صدای چرخیدن کلید در سلول، صدای باز شدن پنجره سلول و... می‌ترسند. دختران از لکه‌دار شدن حیثیتشان می‌ترسیدند. فحش‌های رکیک، عدم عفت کلام و نگاه‌های معنی‌دار بازجویان موجب رنجش خاطر آنان بود.

### تحلیل محتوایی

در بخش تحلیل محتوا به بررسی مؤلفه‌های پایداری در رفتار شخصیت‌ها و باورهای دینی و مذهبی اسیران می‌پردازیم و در واقع این باورها و زیرساخت‌های فکری و دینی بود که موجب تحمل رنج و سختی‌های دوران اسارت شد.

#### ۱) شخصیت‌پردازی

شخصیت‌پردازی در کتاب من زنده‌ام به صورت‌های متفاوتی صورت گرفته است. گاه نویسنده برای معرفی شخصیت‌ها از شرح و توصیف استفاده می‌کند. در برخی موارد نیز از شرح و توصیف به همراه عنصر گفت‌وگو برای معرفی شخصیت‌ها بهره برده است. نکته شایان توجه این است که اغلب توصیفات از زبان شخصیت اصلی است و در مواردی نیز شخصیت اصلی واسطه نقل این توصیفات است. همچنین گفت‌وگوها نیز در اغلب موارد شامل گفت‌وگوهایی است که میان شخصیت اصلی و سایر شخصیت‌ها صورت گرفته است. شیوه دیگری که نویسنده در شخصیت‌پردازی از آن استفاده نموده است، معرفی توسط شخصیت اصلی است. در این شیوه تمامی اعمال، رفتار و گفت‌وگوهای شخصیت اصلی از زبان خود او در خلال حوادث بیان می‌شود. با توجه به این که کتاب در زندگینامه داستانی است، این شیوه شخصیت‌پردازی که همه‌چیز از زبان شخصیت اصلی - راوی - روایت می‌شود به باورپذیرتر کردن خاطرات کمک فراوانی نموده است و به مخاطب کمک می‌نماید که با راوی همراه و حتی هم‌ذات شود.

#### ۲) آئین دوران اسارت

#### الف) جسارت و شجاعت

مهم‌ترین عرصه‌ای که آدمیان به شجاعت و دلاوری محک زده می‌شوند، عرصه جهاد و دفاع است. جنگ آزمونی است که تنها دلیران و شجاعان از آن سرافراز بیرون می‌آیند. شجاعت و قوت رزمندگان از ایمان راسخ آنان سرچشمه می‌گرفت در مقاطع و مراحل مختلف دفاع مقدس؛ یعنی مقاومت در مقابل تجاوز دشمن، سد کردن پیشروی، حتی مقاومت و جسارت در اسارت و در مقابل بعضی‌ها به اوج می‌رسد. زمانی که راوی (معصومه) برای درمان به پزشک زندان مراجعه می‌کند، در فرصتی کوتاه چند رول گاز و پنبه از روی میز بر می‌دارد؛ او با وجود این که می‌دانست این کار جرم است و تنبیه سختی به دنبال دارد به دلیل کمبود امکانات این کار را انجام می‌دهد. (همان: ۲۹۷)

### ب) وحدت

در برهه‌های مهم تاریخ مثل انقلاب و دفاع مقدس اخوت و برادری میان مسلمانان بیشتر می‌شوند، حتی یکدیگر را خواهر یا برادر صدا می‌زدند. در دوران اسارت با وجود سختی‌ها و شکنجه‌های مختلف تنها حس برادری و وحدت میان اسیران موجب اتحاد میان آن‌ها شد. در دوران اسارت اسیران با تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها، نماز خواندن و شعار دادن، هدیه دادن چیزهای کوچک سعی داشتند رنج دوری از خانواده خود را فراموش کنند. برای نمونه به چند مورد از این موارد اشاره می‌کنیم: «دهه فجر و پیروزی انقلاب نزدیک بود. به یاد همه خاطرات و شهدای انقلاب و جنگ، بعد از تلاوت قرآن، هرچه از سرودهای انقلابی به یاد داشتیم هم‌صدا با هم خواندیم. هیچ‌کس جلودارمان نبود. به هم امید می‌دادیم و ترس را از هم دور می‌کردیم، به هم کمک می‌کردیم و با هم شادی می‌کردیم. با هم گریه می‌کردیم و تنهایی‌های همدیگر را پر می‌کردیم. به سرعت در همه چیز همدل و هم‌زبان شدیم.» (همان: ۳۱۳)

### ۳) محتوای مذهبی

#### الف) انس با قرآن و نماز

یکی از خصلت‌های اخلاقی اسیران با وجود این که لباس خونی و کثیف و زیر آزار و شکنجه‌های بعضی‌ها قرار داشتند، تلاش می‌کردند که نماز را به پا دارند. با صدای بلند تکبیر می‌گفتند. حتی در سخت‌ترین شرایط نمازشان را زیر باتوم و شلاق ادامه می‌دادند. قرآن را نه تنها کتاب هدایت و بشارت می‌دانستند بلکه آن را مایه رهایی از تن و آزادی روح می‌دیدند و در تمام سختی‌ها و مشکلات قرآن را تلاوت می‌کردند و سعی می‌کردند، حافظ قرآن شوند. قرآن و مفاتیح را دست‌نویس می‌کردند تا میان سایر اسیران تکثیر شود. در زیر نمونه‌هایی از آن را بیان می‌کنیم: «با وجود سلول‌های انفرادی و تدابیر امنیتی شدید اسرا با صدای بلند اذان می‌گفتند. صدای دل‌نشین مهندس تندگویان و اذان بلال‌گونه مهندس یحوی و بوشهری مایه آرامش همه می‌شد.» (همان: ۲۹۲) به کارگیری شعارهایی برگرفته از آیات قرآن (الله اکبر، لا اله الا الله، نصر من الله و فتح قریب و بشر الصابرين) موجب تسلی خاطر و



آرامش اسیران می‌شد. هرکدام با خون خود روی در کرم‌زنگ سلول شعارهای (الله اکبر، لا اله الا الله) نوشتند و در ادامه می‌نویسد: «خونمان برای نوشتن نام خدا مقدس شده بود.» (همان: ۳۱۶)

بهره‌گیری از آیات قرآن: اسیران جنگ برخی از آیات قرآن را حفظ می‌کردند و با توجه به معنای خاص آن را به کار می‌بردند: به عظمت وصف ناشدنی روح بزرگ برادرانمان برای پذیرش و تحمل درد سجده کردیم و دو ساعت سر از سجده برنداشتیم و خدا را شاهد گرفتیم؛ «و أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ.» (همان: ۴۳۴)

### ب) عشق و محبت اهل بیت<sup>(ع)</sup> و امام خمینی<sup>(ره)</sup>

سال‌های سنگین و تلخ و دشوار اسارت، یادآور روزهای دردناکی است که بر اسیران کوفه و شام گذشته بود. آزادگان در نبرد به یاد مصائب اهل بیت صبور و شکیبایی می‌کردند. آن‌ها برای تقویت روحیه و ایمان خود را به منشأ نورانی اهل بیت متصل می‌نمودند و از امام خمینی (ره) تبعیت می‌کردند. (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۷: ۵۸۰) با وجود شرایط جنگی و آوارگی مردم، مراسم ماه محرم را برگزار می‌کنند، تنها زمانی که خانواده معصومه غم خود را هیچ می‌دانند، ایام محرم و روز عاشورا بود. (آباد، ۱۳۹۳: ۳۶۷)

«زندگی دوران اسارت با فرهنگ عاشورا گره خورده بود. ایام شهادت اباعبدالله یادآور مراسم‌های ایام سوگواری در وطن بود و دل‌تنگی خاصی را ایجاد می‌کرد. روز عاشورا بود. در ذهنم خاطره دهه محرم حسینی بی‌بی و روضه سقای سیدالشهدا و گهواره علی‌اصغر و حجله قاسم مرور می‌شد و از طرف دیگر آنچه به عیان شاهدش بودم برایم مسئولیت‌آور بود.» (همان: ۳۸۵)

### نتیجه‌گیری

عنوان کتاب بیانگر محتوای آن است. خواننده در سراسر کتاب گره‌افکنی، تعلیق، بحران و گره‌گشایی را در دو کلمه «من زنده‌ام» لمس می‌کند. طراحی روی جلد آقای احمد اورانی گویای موضوع، محتوا و حالات روحی نویسنده است. عنوان فصل‌ها بر اساس توالی حوادث و رویدادهای زندگی نویسنده شکل گرفته و مطالب هر فصل با مطالب فصل‌های قبل و بعد از دارای ارتباط منطقی است. این اثر کاملاً زنانه ارائه شده است. هم مؤلف و هم ویراستار هر دو زن هستند. نثر این کتاب عاطفی، معناگرا، پرمایه و سالم است. کتاب دارای لحن محترمانه، ضرب‌آهنگ، بیان روان، جملات سلیس، شفافیت زبان و پرداخت جذاب و خواندنی است. استفاده گسترده از آرایه‌های لفظی و معنوی، حس‌آمیزی‌های بدیع، تلمیح و تضمین‌های به جا، حسن تعلیل، مراعات نظیر و بیان مسجع و واج‌آرایی، کتاب را خواندنی و دلپذیر کرده است. خاطراتی که نویسنده از زندگی خود نقل می‌کند جذاب و پر از تعلیق است. جنسیت راوی بر لحن، گفتار و رفتار شخصیت‌ها مؤثر است. معصومه آباد بر این باور است که برای شناخت دقیق روحيات و بنیه اعتقادی نویسنده باید مراحل شکل‌گرفتن

زیربنای باورهای دینی و اخلاقی فرد لحاظ شود تا بتواند موجب جذابیت و درک بیشتر مخاطب شود. در کتاب من زنده‌ام، روح لطیف و شاعرانه دوران کودکی، نوجوانی نویسنده بیانگر این قضیه است. دل‌تنگی برای خانواده‌اش در دوران اسارت، نشانگر وابستگی عاطفی اوست. از بیان برخی مشکلات زنان در دوران اسارت آکراه دارد و خجالت می‌کشد. نویسنده در این کتاب راوی خاطرات خویش است و تمام وقایع و صحنه‌هایی را که خود دیده و یا از منبع موثق شنیده است را با ذکر منبع بیان می‌کند. معصومه آباد در ۱۷ سالگی به اسارت در می‌آید و کتاب شرح ماجراهای دوران اسارت است. نویسنده در خانواده‌ای پرجمعیت و معتقد و متدین به دنیا می‌آید که با شروع جنگ بیشتر اعضای خانواده در جنگ شرکت می‌کنند. از نماد و الگوهای دینی خصوصاً واقعه عاشورا بهره می‌برند، حضور آن‌ها در عراق و گذراندن دوران اسارت است. کتاب من زنده‌ام به دلیل بهره‌گیری از عناصر داستان دارای ارزش ادبی بالایی است. نویسنده با وجود گذشت بیش از سه دهه از جنگ و اسارت از لحاظ روحی هنوز با وقایع اسارت درگیر است، زمانی که خاطرات دوران اسارت خود را بازنویسی می‌کند با یادآوری این دوران از زندگی خود می‌ترسد.

من زنده‌ام نقطه عزیمت روایت زنانه در رمان‌های دوران اسارت است. جدا از آنکه نویسنده آن یک بانوی ایرانی است، قهرمان اصلی آن نیز عموماً خود راوی یا یکی از زنان اسیر ایرانی است. او با نگاهی ظریف و مو شکافانه به مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی دوران کودکی و نوجوانی خود می‌پردازد و آن‌ها را شرح و تفسیر می‌کند. من زنده‌ام به گونه‌ای برگرفته از الگوی صبر و استقامت حضرت زینب<sup>(س)</sup> است. بانویی که با وجود رفتارها و شکنجه‌های یزیدیان با صبر خود حماسه آفرید. ظرافت بسیار و توصیفات جزئی و دقیق او از اسیران برادر به قدری است که سطح فرهنگی و اجتماعی هر فرد را به خوبی نشان می‌دهد. زبان و نثر داستان با تلفیق سایر عناصر مانند طرح، زمان، شخصیت‌پردازی دقیق و حساب‌شده، تعلیق و انتظار همه نشانگر مهارت نویسنده در داستان‌نویسی است.

## منابع

- ابروانی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، بر سمند خاطره (نگاهی تازه به خاطره نویسی)، ج ۱، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- تسلیمی، علی، (۱۳۹۰)، نقد ادبی، تهران: کتاب آبه.
- تقی‌زاده اکبری، علی، (۱۳۸۷)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، قم: زمزم هدایت.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۳)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران: سازمان لغت نامه دهخدا.
- رحماندوست، مجتبی، «رمان مقاومت، منابع، مضامین و بایدها»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۶، ۱۳۷۹.
- رامهرمزی، معصومه، (۱۳۸۳)، یکشنبه آخر، تهران: سوره مهر.
- سلیمانی، آرزو، ساسانی، فرهاد، پاکتنچی، احمد، «بازنمایی دشمن در متن خاطرات زنی در اسارت: بررسی موردی کتاب خاطرات من زنده ام»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای زبانی، ۱۱، ش ۴، (پیاپی ۵۸)، مهر و آبان ۱۳۹۹
- سنگری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، تهران، پژوهشگاه دفاع مقدس.
- سنگری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، ساحت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، پیشنهاد برای پژوهش و مطالعه، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شکری، غالی، (۱۳۹۶)، ادب مقاومت، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران: نشر نو.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، شبک شناسی نشر، تهران: میترا.
- غفاری جاهد، مریم، «زنان در ادبیات دفاع مقدس»، ادبیات معاصر، واحد آموزش زبان انقلاب فارسی، دوره بیست و سوم، شماره چهارم، تابستان ۸۹.
- کافی، علامرضا، (۱۳۸۹)، شناخت ادبیات انقلاب اسلامی، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- کمری، علیرضا، (۱۳۷۳)، درآمدی بر خاطره نویسی و خاطره نگاشته‌ها، چاپ اول، تهران: حوزه هنری.
- کمری، علیرضا، (۱۳۸۱)، یادمانا (پنج مقاله درباره خاطره نویسی و خاطره نگاشته‌های جنگ و جبهه)، تهران، سوره مهر.
- کمری، علیرضا، «گفتگو/صدای تاریخ مخاطره ای»، زمانه، سال چهارم، شماره ۳۴، تیر ۱۳۸۴.
- معصومه بهاردوست، «مقاومت و پایداری زنان در دفاع مقدس از نگاه معصومه آباد بررسی تحلیلی رمان «من زنده ام»»، کنفرانس بین المللی ادبیات و زبان شناسی. ۱۳۹۵
- منصور طبیعی و همکاران، «مطالعه تجربه اسارت در جنگ ایران و عراق؛ بررسی رمان‌های «پایی که جا ماند» و «حکایت زمستان» با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، (۲)۱۰، تابستان ۱۳۹۶.
- نجفی، زهره و صادقی نیا، «تحلیل روان شناختی شخصیت‌ها در رمان من زنده ام»، مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات پایداری، جلد چهارم، صریر.
- هال، استوارت، (۱۳۸۶)، غرب و بقیه: گفتمان و قدرت، ترجمه محمود متحد، تهران، آگه.

